

Geopolitical Explanation of the Reconstruction of the Rimland within the Abraham Accords framework

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mostafa Ghaderi Hajat* PhD

Hossein Joudi, M.sc

Sajjad Heydarian M.sc

Mostafa Ghaderi Hajat,
Assistant Professor of Political
Geography, Tarbiat Modares
University, Tehran, Iran
Hossein Joudi, M.sc Student of
Geopolitics, University of AJA,
Tehran, Iran
Sajjad Heydarian, M.sc Student
of Geopolitics, AJA University,
Tehran, Iran

Correspondence*

Address: Geography

Department, Tarbiat Modares
University, Tehran, Iran

Email:

m.ghaderihajat@modares.ac.ir

Article History

Received: 26 September 2020

Accepted: 05 December 2020

ABSTRACT

The rivalry between China and the United States in the new century is one of the most important drivers of geopolitical rivalries at various regional and trans regional levels. China is considered one of the great powers that has the potential to become a superpower and challenge the current position of the United States, something that has worried US strategists and officials. As a result, in the second decade of the 21st century, the United States shifted the focus of its national security strategy from the Middle East to East Asia in order to counter this potential threat. With the withdrawal or diminishing presence of the US presence in the region, traditional US allies such as Israel and Arab countries are afraid of expanding the sphere of influence of their geopolitical rivals, namely Iran and Turkey, and given the historical experiences of the region and Iran's geopolitical influence in the current situation, these countries have been forced to cooperate bilaterally and multilaterally. Israel has traditionally chosen the Peripheral Alliance strategy as a complement to its national security strategy. Given the possibility of a reduction in military forces in the Middle East, the Arab-Israeli agreement in the form of the Abraham Accords Peace Agreement seems to represent a new Rimland with the aim of controlling and limiting the geopolitical influence of the Islamic Republic of Iran. Using the descriptive-analytical method and based on library and Internet resources, tries to provide a geopolitical explanation of the Abrahamic Accords in terms of its effects and consequences on regional relations in the Persian Gulf and especially the goals and interests of the Islamic Republic of Iran. The results show that if the project is implemented, we can expect the emergence of a new regional Rimland with the aim of controlling and weakening Iran.

Keywords: Rimland, Abraham Accords, Peripheral Alliance, Iran, Persian Gulf.

تبیین ژئوپلیتیکی بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم

مصطفی قادری حاجت PhD *

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

حسین جودی M.sc

دانشجوی کارشناسی ارشد ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، ایران

سجاد حیدریان M.sc

دانشجوی کارشناسی ارشد ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

چکیده:

رقابت چین و آمریکا در سده جدید یکی از مهم‌ترین پیش‌رانه‌های رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ که توانایی بالقوه برای تبدیل شدن به ابرقدرت و به چالش کشیدن جایگاه فعلی آمریکا دارد، امری که باعث نگرانی استراتژیست‌ها و مقامات آمریکایی نیز شده است. در نتیجه ایالات متحده در دهه دوم قرن بیست و یکم تمرکز استراتژیک امنیت ملی خود را از خاورمیانه به شرق آسیا انتقال داد. با کم رنگ شدن حضور آمریکا در منطقه هم‌پیمانان سنتی آمریکا مانند اسرائیل (رژیم غاصب صهیونیستی) و کشورهای عربی از گسترش قلمرو نفوذ رقابتی ژئوپلیتیکی خود یعنی ایران و ترکیه بیمناک بوده و با توجه به تجارب تاریخی منطقه و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در شرایط کنونی واکنش کشورهای مزبور را وادار به همکاری دو و چند جانبه کرده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی است و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی تبیین ژئوپلیتیکی صلح ابراهیم از منظر آثار و پیامدهای آن بر روابط منطقه‌ای در خلیج فارس و به‌ویژه اهداف و منافع جمهوری اسلامی است. اسرائیل به‌طور سنتی استراتژی اتحاد پیرامونی را به‌عنوان مکمل استراتژی امنیت ملی خود برگزیده است، توافق اعراب و اسرائیل در قالب توافق صلح ابراهیم به نوعی بازساخت ریملند جدید با هدف کنترل و محدود کردن اثرگذاری ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی است. در صورت اجرایی شدن پروژه یاد شده می‌توان انتظار رخنمون ریملند جدید منطقه‌ای با هدف کنترل و تضعیف ایران را داشت.

واژگان کلیدی: ریملند، صلح ابراهیم، اتحاد پیرامونی، ایران، خلیج فارس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

نویسنده مسئول: m.ghaderihajat@modares.ac.ir

مقدمه

مهم‌ترین پیش‌رانه‌های رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رقابت چین و آمریکا در سده جدید است. درواقع سیاست چرخش شرقی اوپاما، تمرکز بر ایندو پاسیفیک ترامپ و تقویت همکاری‌های آمریکا با کشورهای شرق دور در دوره بایدن در راستای کنترل، مقابل و افزایش فشار بر چین است [۱] در همین راستا، مهم‌ترین نگرانی برای کشورهای که به نوعی امنیت خود را وابسته به حضور و هم‌پیمانی با آمریکا می‌دانستند به وجود آمد. مهم‌ترین این کشورها اعراب حوزه خلیج فارس و اسرائیل (رژیم غاصب صهیونیستی) می‌باشند و از گسترش قلمرو نفوذ و گستره اثرگذاری رقابتی ژئوپلیتیکی خود یعنی ترکیه و ایران نگرانند. با توجه به تجارب تاریخی منطقه و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در شرایط کنونی واکنش کشورهای مزبور بیش از ترکیه متوجه ایران است. از ابتدای تاسیس رژیم صهیونیستی، خطر انزوا تهدید جدی برای دولت‌مردان آن بوده است. با توجه به این تهدید، «دیوید بن گوریون» دکتین اتحاد پیرامونی را در جهت خروج از انزوا در برابر اتحاد دول عربی مطرح کرد. چارچوب اصلی این دکتین گسترش روابط با دولت‌های مسلمان غیرعرب بود. ۳ رکن اصلی استراتژی پیرامونی اسرائیل، بر ارکان نظامی، اطلاعاتی و دیپلماسی استوار بوده که در پیش‌برد آن از راهبردهای غافل‌گیری، انتقال جنگ به داخل سرزمین دشمن و ابتکار عمل بهره گرفته شد. با توجه به این استراتژی، اسرائیل در جهت بقا و دوام خود نیاز جدی به همکاری نظامی با یک ابرقدرت منطقه‌ای داشت. بنابراین جهت اجرای این راهبرد با کشورهای پیرامون مرزهای اعراب مثل ترکیه، ایران و اتیوپی متحد شد و امروزه پس از ۶ دهه، این دکتین با تغییرات منابع تهدید پی‌گیری می‌شود. [۲] البته با پیروزی انقلاب اسلامی، اسرائیل در جهت پیگیری استراتژی خود در جهت برقراری امنیت، اقدام به گسترش روابط با کشورهای غیر عربی خاورمیانه، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی هم‌چون ترکیه و جمهوری آذربایجان نماید. این اقدامات سبب شده تا امروز، طرح پیرامونی محدوده‌های دفاعی اسرائیل از شرق تا کره شمالی، از غرب تا تنگه جبل الطارق، از جنوب تا خلیج عدن و از شمال تا دریای سیاه در بر می‌گیرد. در شرایط کنونی یکی از اقدامات آمریکا کاهش نیروی‌های نظامی در منطقه خاورمیانه و تلاش در جهت مدیریت فرآیندهای منطقه‌ای در چارچوب توافق صلح ابراهیم می‌باشد. این توافق که در ابتدا به‌صورت بیانیه مشترک فی مابین اسرائیل، امارات متحده عربی و ایالات متحده بود، در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ منعقد شد و از این واژه همچنین برای اشاره کلی به توافق‌نامه‌های صلح به ترتیب توافق‌نامه صلح اسرائیل-امارات،

است اشاره می‌کند و می‌گوید سلطه بر هر یک از مناطق، امنیت آمریکا را تهدید می‌کند، زیرا از چنین موقعیتی محاصره دنیای جدید ممکن می‌شود و می‌گوید هر که ریملند را کنترل کند بر اوراسیا حکومت می‌کند و هر کس اوراسیا را کنترل کند سرنوشت جهان را در اختیار دارد.

۲- راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی

در بدو تاسیس رژیم صهیونیستی با توجه به این که اسرائیل از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته بود و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کردند، لذا توجه سیاست مداران اسرائیل به ایجاد ارتباط با سایر بازیگران منطقه‌ای که شامل کشورهای مسلمان غیر عربی (ترکیه، ایران)، کشورهای مسیحی دارای هویت مسیحی (مانند اتیوپی و لبنان) و نیز اقلیت‌های قومی غیرعربی یا غیرمسلمان (کردها و ارمنه) می‌شد، معطوف گردید. این استراتژی که با عنوان اتحاد پیرامونی یا حاشیه‌ای معروف شد، اولین بار توسط «دریوون شیلوا» نخستین رئیس موساد طراحی و به بن گوریون ارائه شد.^[۴]

دیوید بن گوریون نخست وزیر اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ دکتین پیرامون را توسعه داد؛ این اقدام براساس فرضیه‌ای بود که اسرائیل باید روابط نزدیکی با کشورهای غیرعربی منطقه برقرار کند تا خود را از همسایگان عرب محافظت نماید.^[۱]

بدین ترتیب بن گوریون برای خروج از محاصره و شکستن آن، دکتین مذکور را در دستور کار خویش قرار داد. او معتقد بود عموم کشورهای عرب به‌دلایل متعددی حتی در میان مدت با دولت وی رابطه‌ای نخواهند داشت و از نفوذ خود برای محدود کردن این حکومت در صحنه جهانی استفاده خواهند کرد. افزون بر آن امکانات و ظرفیت‌های خود به ویژه نفت را به‌عنوان سلاحی علیه دولت یهودی به کار خواهند برد؛ بنابراین از نظر او جز خروج از این بن بست از طریق دور زدن اعراب و برقراری پیوند با دیگر واحدهای سیاسی خارج از این محیط چاره‌ای وجود ندارد.^[۵] استراتژیست‌های اسرائیلی معتقدند تنها با تغییر تعادل موارد ذیل، امکان تعادل استراتژیک میان اسرائیل و کشورهای پیرامون به وجود خواهد آمد: ۱. گسترش اراضی تحت تصرف اسرائیلی‌ها تا هر کجا که اقتضا کند؛ ۲. افزایش جمعیت یهودی اراضی اشغالی مورد نظر؛ ۳. افزایش توان نظامی و اتمی اسرائیل؛ ۴. کاهش جمعیت کشورهای اسلامی؛ ۵. خلع سلاح مسلمانان و جلوگیری از دستیابی کشورهای مسلمان منطقه به سلاح‌های استراتژیک به ویژه هسته‌ای؛ ۶. تبدیل کشورهای اسلامی به بازار مصرف کالاهای غربی و جلوگیری از هرگونه پیشرفت علمی، صنعتی و فن آوری‌های تکنولوژیکی در میان این کشورها و...^[۶]

متحد عربی و توافق‌نامه عادی سازی روابط بحرین - اسرائیل استفاده شد. از زمان صلح مصر سال ۱۳۵۷ و صلح با اردن سال ۱۳۷۳، این اولین باری بود که یک کشور عربی با اسرائیل روابط عادی برقرار می‌کرد. این توافق‌نامه‌ها توسط عبداللطیف بن راشد الزایانی وزیر امور خارجه بحرین، عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر خارجه امارات و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۰ امضا شد. با توجه به اسناد منتشر شده و سخنان ریاست جمهوری پیشین آمریکا پنج کشور دیگر از جمله عربستان سعودی به زودی به این توافق خواهند. آمریکا در تلاش است با کاهش نیروهای نظامی و هزینه‌های خود در خاورمیانه به تغییر موضع از غرب به شرق آسیا با استفاده از ظرفیت‌های رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی با ایجاد موازنه قوا در برابر ایران نگرانی امنیتی کشورهای یاد شده از خلاء عدم حضور آمریکا را تا حدودی کاهش دهد. با توجه به عادی سازی روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی، این مقاله در پی تبیین ژئوپلیتیکی صلح ابراهیم از منظر آثار و پیامدهای آن بر روابط منطقه‌ای در خلیج فارس و به‌ویژه اهداف و منافع جمهوری اسلامی است.

روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و مصاحبه استفاده شده است. مهم‌ترین منابع کتابخانه را می‌توان در انواع ذیل دسته‌بندی کرد:

- ۱- کتاب.
- ۲- نشریات ادواری.
- ۳- منابع دیداری و شنیداری.
- ۴- میکروفرم‌ها (ریزورقه‌ها).
- ۵- منابع الکترونیکی.^[۳]

چارچوب نظری

۱. تئوری ریملند

تئوری سرزمین حاشیه‌ای «ریملند» در مباحث ژئوپلیتیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نیکلاس اسپایکمن در این تئوری به سرزمین‌های حاشیه‌ای اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و خاور دور اهمیت بسیار می‌دهد و آن‌ها را هم‌چون کلیدهای امنیت ایالات متحده آمریکا در خلال رقابت‌های ژئوپلیتیکی با شوروی سابق تلقی می‌کرد. به نظر این دانشمند تسلط بر هر یک از این مناطق، احاطه بر جهان جدید را به‌صورت یک امکان درمی‌آورد. اسپایکمن به ریملند که با تغییراتی همان هلال داخلی مکیندر

۳- تحول مفهوم استراتژی پیرامونی

با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر ماهیت روابط ایران و اسرائیل - عدم پذیرش موجودیت اسرائیل توسط نظام جدید ایران و حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و تأکید آن بر ضرورت مبارزه با اسرائیل؛ علی‌رغم وجود دو دیدگاه متعارض موافق و مخالف مقامات اسرائیلی در مورد تعاملات اسرائیل با ایران، از ابتدای دهه ۹۰ میلادی و با آغاز فرایند صلح خاورمیانه، ایران مهم‌ترین تهدید امنیت ملی اسرائیل قلمداد شده و استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با آن تدوین شد. در این میان، اتحاد پیرامونی جدید یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران بود. در واقع، از نظر اسرائیل با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه و نقش آن در دوره پس از جنگ سرد، دکرترین پیرامونی باید مبتنی بر تحولات جدید منطقه‌ای تغییر می‌کرد. براین اساس، دکرترین پیرامونی بر مبنای دشمنی اسرائیل با ایران، به‌جای اعراب تعریف شده و مکان جغرافیایی پیرامون در استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل، از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق هم‌جوار ایران تغییر یافت. [۷]

بنابراین نگاه اسرائیل به محیط سیاسی و امنیتی و حتی اجتماعی خاورمیانه تهدید امنیتی است و رهبران تل‌آویو بر همین اساس تلاش کرده‌اند ورودی‌های آشوب‌ساز به سیستم امنیتی خود را خارج از مرزهای خویش کنترل کنند. از نگاه رهبران اسرائیل، وجود این فضا و نامشخص بودن صلح خاورمیانه، اسرائیلی‌ها را در برابر کشورهای خاورمیانه به شدت آسیب پذیر کرده است، به‌طوری که ممکن است دچار مشکلات جدی سیاسی - امنیتی شوند. از این رو، اسرائیل استراتژی خود را براساس افزایش نفوذ بنا کرده و محدوده استراتژیک خود را در بستر خاورمیانه جدید تا دریای سیاه در شمال، خلیج عدن در جنوب، تنگه جبل الطارق در غرب و آسیای مرکزی و قفقاز و دریای خزر در شرق تعریف کرده است. [۸]

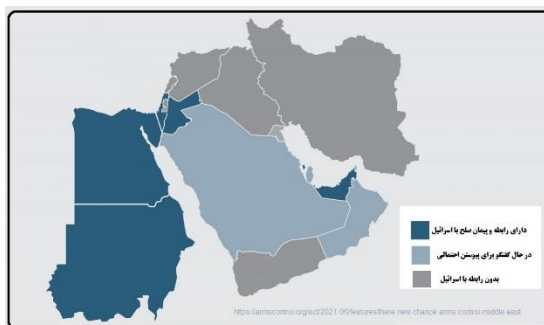
یافته‌ها

۱. صلح ابراهیم و محدوده

عادی‌سازی روابط کشورهایمانند امارات، بحرین، عربستان و عمان با رژیم صهیونیستی از سال‌ها و دهه‌های قبل در قالب دیپلماسی پنهان آغاز شده بود. اما این روند طی سال‌های اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شده و جنبه آشکار به‌خود گرفته است. دیدار نتانیاها از عمان و ملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد صلح رژیم صهیونیستی با امارات عربی و بحرین در واشنگتن تحت عنوان «صلح ابراهیم» در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ گواهی بر این ادعا می‌باشد. در همین رابطه امارات سومین کشور عربی پس از مصر و اردن است که اقدام به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با تل‌آویو کرده است. هرچند این کشور پیش‌تر در قالب اقداماتی نظیر پایان دادن به اجرای تحریم‌های ثانویه اتحادیه عرب در سال ۱۹۹۴، اجازه تاسیس دفتر دیپلماتیک به رژیم صهیونیستی در ابوظبی در سال ۲۰۱۵ (برای تسهیل در مشارکت این رژیم در آژانس بین‌المللی انرژی تجدید پذیر)، اجازه حضور کاتر، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، برای شرکت در نشست سازمان ملل در مورد تغییر آب و هوا در ابوظبی در ژوئن ۲۰۱۹ گام‌های پنهانی اولیه را برداشته بود.

صلح ابراهیم با آرزوی تحقق بخشیدن به چشم‌انداز منطقه‌ای از خاورمیانه، پایدار، صلح آمیز و مرفه، به سود همه کشورها و مردم منطقه بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و آمریکا به امضا رسیده است. با توجه به اسناد منتشر شده و سخنان ریاست جمهوری آمریکا پنج کشور دیگر از جمله عربستان سعودی به زودی به این توافق خواهند پیوست اگرچه تحلیل‌گران معتقد هستند سودان و عمان در کوتاه مدت کاندیداهای بهتری برای پیوستن به این توافق نامه می‌باشند. نقشه ۱ وضعیت روابط کشورهای منطقه با اسرائیل را نشان می‌دهد.

نقشه (۱): وضعیت صلح کشورهای خاورمیانه با رژیم صهیونیستی



تجاری در سطح بین‌المللی این میزان کاهش صادرات تا حدودی جبران شود و به شرایط قبل از کرونا بازگردد. مطابق اعلام فرزاد پیلتن، مدیرکل دفتر عربی و آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران، کشورهای عربی مقصد صادرات ایران به ترتیب عراق، امارات، عمان، کویت، سوریه، قطر، اردن، لبنان و بحرین بوده‌اند و طی مدت مذکور، صادراتی از ایران به کشورهای عربستان و یمن صورت نگرفته است. همچنین از میان ۲۰ کشور اول هدف صادراتی ایران، عراق با ۱۸۳۴ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه ۲، امارات با ۳۱۰ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه ۵، عمان با ۱۱۰ میلیون دلار واردات از کشورمان در رتبه ۱۱ و کشورهای کویت، سوریه و قطر به ترتیب با ۵۸، ۵۶ و ۴۵ میلیون دلار واردات از ایران، در رتبه‌های ۱۴ و ۱۶ و ۱۹ مقاصد صادراتی ایران طی مدت مذکور قرار داشته‌اند. [۸] البته توسعه صادرات غیرنفتی از مسیر بازار کشورهای همسایه و کشورهای منطقه، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذار در سال گذشته بود، برنامه‌ای که برای سال جاری هم ادامه دارد. معاون اول رئیس‌جمهور سال گذشته بر مهاجرت صادراتی به همسایگان تاکید کرد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که میزان واردات ۱۵ کشور همسایه سالانه بیش از ۱۱۰۰ میلیارد دلار است. [۴] و این در حالی است که ایران سهم اندکی از این بازار را در اختیار دارد. متولیان دولتی توسعه صادرات و تاکید بر صادرات به همسایگان را از اولویت‌های مهم عنوان کردند و در این راستا به سازمان توسعه تجارت مأموریت داده شد تا لیستی از اقلام واردات کشورهای همسایه را رصد کنند. چرا که در این صورت می‌توان پتانسیل‌های صادراتی به این کشورها را برشمرد و کالاهایی که مورد نیاز همسایگان است و ایران نیز قابلیت صادراتی در آن‌ها دارد، شناسایی شوند. متولیان تجاری همچنین وعده دادند (گزارش اتاق بازرگانی، ۱۳۹۹) که ایران قصد دارد تا پایان سال ۱۴۰۰ سهم خود را از بازارهای همسایه به ۵ درصد یعنی ۵۰ میلیارد دلار برساند؛ این وعده نشان می‌دهد هدف صادراتی ایران تا یک سال و نیم آینده، تمرکز بر بازار ۱۵ کشور همسایه است.

در کشورهای منطقه غرب آسیا ترکیه نخستین کشور در جهان اسلام بود که کشور تازه تاسیس اسرائیل را در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۴۹ میلادی، به رسمیت شناخت. کشور مصر اولین کشوری عرب زبان در خاورمیانه بود که در سال ۱۹۷۹ واشنگتن و در انتهای پیمان کمپ دیوید تنظیم شد. این پیمان، اولین پیمان صلح بین اسرائیل و یک کشور عربی از ناحیه خاورمیانه بود. پس از امضای این قرارداد، مصر از اتحادیه کشورهای عرب حذف شد. در گام بعدی اردن در سال ۱۹۹۴ در قالب پیمانی به نام پیمان صلح اسرائیل-اردن که به‌طور کامل پیمان صلح بین حکومت اسرائیل و پادشاهی اردن هاشمی نامیده می‌شود، پیمانی به منظور عادی سازی روابط و صلح بین اسرائیل و اردن است؛ این پیمان که گاهی با نام پیمان وادی عربیه نیز شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۴ به امضا رسید. مراسم امضای قرارداد در گذرگاه مرزی جنوبی عربیه در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ برگزار شد. اردن پس از مصر، دومین کشور عربی بود که با اسرائیل به توافق صلح رسید. بعد از گذشته ۲۶ سال از آخرین پیمان صلح اسرائیل با کشورهای منطقه بار دیگر با پیمان صلح ابراهیم کشورهای سودان، امارات و بحرین به‌طور رسمی با رژیم صهیونیستی به صلح رسیده‌اند و کشورهای عمان، عربستان و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس در شرف پیوستن به این پیمان می‌باشند. [۳]

۳. پیامدهای صلح ابراهیم برای ایران :

با توجه به نقش مهم اقتصاد در روابط کشورها معیار صادرات و واردات می‌تواند نشان دهنده خوبی جهت بررسی رابطه جمهوری اسلامی با کشورهای همسایه خود باشد. صادرات ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه براساس اعلام سازمان توسعه تجارت صادرات ایران به کشورهای این منطقه در پنج ماه نخست سال ۹۹ رقم ۲/۵ میلیارد دلار را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عدد نسبت به سال گذشته ۳/۵ میلیارد دلار کاهش داشته است. متولیان تجاری اظهار امیدواری کرده‌اند که با بازگشایی مجدد مرزها و شروع دوباره مبادلات

با توجه به آمار بیان شده جمهوری اسلامی موازنه خوبی در ارتباط گیری با کشورهای همسایه خود ندارد و تمرکز اصلی ارتباط گیری با کشورهای حاشیه خلیج فارس می باشد درست همان منطقه ای که کشورهای این منطقه درصدد پیوستن به صلح ابراهیم هستند و ورود این کشورهایی که مقصد اول صادرات غیر نفتی ایران می باشند در آینده نه چندان دور اثرات منفی بر مبادله خارجی ایران در پیرامون خود را در پی دارد. محورهای اصلی صلح ابراهیم را می توان در قالب گزاره ذیل دسته بندی کرد:

الف) امور مالی و سرمایه گذاری در صلح ابراهیم

ب) حمل و نقل هوایی عمران

ج) جهانگردی

د) انرژی، تجارت و روابط اقتصادی

ه) علم، فناوری و استفاده مسالمت آمیز از فضای بیرونی

و) محیط زیست و آب

ز) ارتباطات از راه دور و پست

ح) مراقبت های بهداشتی

ط) کشاورزی و امنیت غذایی

ی) انرژی

ک) ترتیبات دریایی

گ) همکاری حقوقی. [2]

تجزیه و تحلیل

۱- وضعیت نظامی خاورمیانه با چاشنی عادی سازی

روابط با رژیم صهیونیستی :

فهرست قدرتمندترین ارتش های جهان شامل ۱۲۸ کشور است و این شاخص برای تعیین میزان قدرت نظامی و بیش از ۵۰ عامل و ویژگی از جمله نیروی انسانی، قدرت نظامی، مالی، توانایی لجستیکی و قابلیت جغرافیایی بستگی دارد. [5] هرچند تأثیرگذاری بحران کرونا در میزان قدرت ارتش های جهان تاکنون مشخص نیست، اما برخی از کشورها نسبت به سال گذشته شاهد کاهش رتبه بوده اند، در حالی که برخی دیگر از جمله کشورهای خاورمیانه به پیشرفت های بیشتری دستیابی پیدا کرده یا حداقل توانسته اند رتبه قبلی خود را حفظ کنند. ارتش مصر با آن که هنوز هم رتبه اول در میان کشورهای عربی و رتبه دوم در میان کشورهای آفریقایی را دارد، اما در سطح جهانی به رتبه سیزدهم نزول کرده است. در این میان، عربستان سعودی در بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس رتبه اول، در جهان عرب رتبه دوم و در سطح بین المللی در رتبه هفدهم قرار دارد، اما توانسته است از اسرائیل که از ردیف ۱۷ در سال گذشته به مقام بیستم نزول کرده است، پیشی گیرد. سایر کشورهای عربی از نظر قدرت نظامی در شاخص گلوبال فایر پاور به ترتیب آتی قرار گرفته اند:

سوم: الجزایر، چهارم: امارات متحده عربی، پنجم: مراکش، ششم: عراق، هفتم: سوریه، هشتم: لیبی، نهم: کویت، دهم: عمان، یازدهم: تونس، دوازدهم: اردن، سیزدهم: سودان، چهاردهم: یمن، پانزدهم: قطر، شانزدهم: بحرین و هفدهم: لبنان. با آن که شاخص گلوبال فایر پاور، توانایی هسته ای را مستثنی می کند، اما نشانه های بارزی از رقابت شدید تسلیحاتی میان کشورهای جهان، از جمله کشورهای خاورمیانه وجود دارد و کشورهای منطقه به منظور توسعه و تقویت نیروهای نظامی خود دست به خرید تجهیزات نظامی پیشرفته می زنند و رقابت میان آن ها بر سر این موضوع همچنان ادامه دارد. چند ماه قبل و هم زمان با پایان یافتن تحریم تسلیحاتی ایران در اکتبر ۲۰۲۰، برخی از مخالفان دونالد ترامپ، رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده، دولت وی را به دلیل موافقت برای فروش هواپیماهای پیشرفته آمریکایی "F35" به امارات متحده عربی متهم به تحریک یک مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه کردند. به رغم تلاش دموکرات ها در کنگره آمریکا برای جلوگیری از اجرایی شدن توافق نامه تسلیحاتی به ارزش حدود ۲۳ میلیارد دلار که شامل سلاح های دیگری نیز است، مجلس سنا در ماه دسامبر گذشته از پذیرش دو لایحه که در این زمینه ارائه شده بود خودداری کرد. خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه گذشته به نقل منابع آگاه گزارش داد که امارات متحده عربی توافق نامه ای را برای خرید ۵۰ فروند هواپیمای "F-35" و حداکثر ۱۸ پهپاد مسلح با ایالات متحده امضا کرده است. بنابراین، با آن که امارات متحده عربی در شاخص گلوبال فایر پاور، در رتبه ششم کشورهای خاورمیانه قرار گرفته است، اما با در اختیار داشتن جنگنده های "F-35" ممکن است جایگاه این کشور را در شاخص بعدی عملاً دگرگون کند. البته اسرائیل تنها کشور منطقه است که جنگنده های پیشرفته آمریکایی را در اختیار دارد. در حالی که قرار بود جنگنده های "F-35" به عنوان بخشی از برنامه تسلیحاتی آمریکا به ترکیه فروخته شود، اما اصرار آنکارا برای خرید سامانه دفاع موشکی S-400 روسیه باعث حذف این کشور از قرارداد مذکور شد. در حالی که شاخص سالانه قدرتمندترین ارتش های جهان، همزمان با مراسم تحلیف جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده منتشر شد، صحبت درباره مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه بار دیگر به طور گسترده ای مطرح شده است. در کنفرانس «موسسه برنامه ریزی سیاسی مردم یهود» که هفته گذشته در فضای مجازی برگزار شد، هنری کیسینجر، وزیر پیشین امور خارجه آمریکا گفت که دولت جدید ایالات متحده نباید به اصل توافق هسته ای با ایران بازگردد، زیرا این امر می تواند منجر به مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه شود. کیسینجر از توافق هسته ای که قدرتهای

بین‌المللی در ژوئیه سال ۲۰۱۵ با ایران منعقد کردند و دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، انتقاد کرد. این در حالی است که جو بایدن، رئیس جمهوری جدید ایالات متحده قصد دارد در صورت موافقت مجدد تهران به پیروی از محدودیت‌ها و رعایت تعهدات برجام، بار دیگر به توافق هسته‌ای بازگردد. هنری کیسینجر (دیپلمات ۹۷ ساله پیشین آمریکایی) گفت "نباید خودمان را گول بزنیم." وی افزود: "به باور من، اصل (توافق هسته‌ای) که محدودیت‌های زمانی، نواقص و خلاهای فراوانی دارد، جز این که سلاح‌های هسته‌ای را در منطقه گسترش دهد، سود دیگری در پی نخواهد داشت و در نتیجه، یک حالت تنش نهفته را ایجاد می‌کند که مدتی بعد فوران خواهد کرد." کیسینجر اظهار داشت: "من نمی‌گویم که نباید با آن‌ها صحبت کنیم،" اما "رهبران جمهوری اسلامی ایران، گزینه‌ای دیگر برای دست کشیدن از سیاست کنونی که آمیزه‌ای از اسلام افراطی و تهدید است را ندارند و آزمایش واقعی این امر بستگی به ارزیابی توانایی‌های هسته‌ای ایران و میزان جلوگیری از تحقق آن دارد." با توجه به مطالب گفته شده جمهوری اسلامی یک چالش بزرگ با متحد شدن کشورهای مذکور در صلح ابراهیم در آینده خواهد داشت چرا که با توجه به رتبه این کشورها از لحاظ نظامی، قدرت لجستیکی زیادی خواهند یافت. همچنین یک اقدام تهدید آمیز دیگری در ماه‌های نخستین صلح ابراهیم صورت پذیرفته است و این تهدید استقرار سامانه گنبد آهنین اسرائیل در امارات متحد عربی می‌باشد. روزنامه هآرتس به نقل از مقام‌های امنیتی اسرائیل اعلام کرد که پیش بینی می‌شود به زودی ایالات متحده آمریکا سامانه سپر دفاع موشکی معروف به گنبد آهنین را در برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مستقر کند. سامانه گنبد آهنین از تولیدات صنعت اسلحه سازی اسرائیل است. این روزنامه تاکید کرد که این موضوع در پی توافق ابراهیم بین اسرائیل و دو کشور حاشیه خلیج فارس یعنی امارات و بحرین و دو معامله بزرگ تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا یکی با امارات و دیگری با عربستان سعودی صورت می‌گیرد. سه هفته پیش، سازمان دفاع موشکی اسرائیل مستقر در وزارت دفاع این کشور، سری دوم سامانه گنبد آهنین را به وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا تحویل داد. این سامانه توسط شرکت سیستم‌های دفاعی پیشرفته رافائل اسرائیل به‌عنوان بخشی از قرارداد اوت ۲۰۱۹ بین دو کشور اسرائیل و آمریکا تولید شده است. طبق این گزارش، منابع دفاعی اسرائیل می‌گویند ایالات متحده آمریکا تاییدیه مقام‌های ارشد اسرائیلی را برای شروع استقرار آن‌ها در پایگاه‌های نظامی آمریکا در تعدادی از کشورهای خاورمیانه، اروپا و خاور دور

را دریافت کرده است. بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل در مراسم تحویل سامانه‌های سری دوم گفت: «من اطمینان دارم که این سیستم به ارتش ایالات متحده در دفاع از سربازان آمریکایی در برابر تهدیدهای هوایی و موشک‌های بالستیک کمک خواهد کرد». هآرتس نوشت به دلیل حساسیت موضوع برای آمریکایی‌ها، مقام‌های اسرائیلی از فاش کردن کشورهای محل استقرار سامانه‌های گنبد آهنین خودداری کرده‌اند. این رسانه به نقل از مقام‌های اسرائیلی همچنین تاکید کرد که این سامانه‌ها برای مقابله با حملات احتمالی نیروهای ایرانی و گروه‌های نیابتی آن مستقر خواهند شد. یک روزنامه سعودی در سپتامبر ۲۰۱۸ گزارش داده بود که ریاض توافق‌نامه خرید سامانه گنبد آهنین از اسرائیل را با همکاری آمریکایی‌ها به‌عنوان واسطه امضا کرده است. با این حال مقام‌های اسرائیلی می‌گویند که پس از حمله به تاسیسات نفتی شرکت آرامکو عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ که به ایران نسبت داده شده است، سعودی‌ها درخواست خود را برای خرید سامانه‌های گنبد آهنین مطرح کرده‌اند اما مقام‌های اسرائیلی استقرار این سامانه در برخی از کشورهای خلیج فارس به‌عنوان بخشی از توافق‌نامه ابراهیم را انکار می‌کنند. هآرتس می‌گوید که دو سامانه نخست تحویل داده شده، از سوی شرکت رافائل و سایر شرکا در اسرائیل تولید شده است اما پیش‌بینی می‌شود در ماه‌های آینده شرکت رافائل یک خط تولید با همکاری شرکت آمریکایی ریتیون برای نسخه آمریکایی سامانه‌های سپر دفاع موشکی ایجاد کند. در صورت اجرایی شدن این موضوع، رافائل و ریتیون می‌توانند نسخه آمریکایی این سامانه را به سایر کشورهای در اروپا، خلیج فارس و آسیای شرقی صادر کنند از این رو تولیدات نظامی رژیم صهیونیستی با گسترش همکاری این رژیم در قالب صلح ابراهیم بیش‌تر از قبل خواهد شد و به‌وجود آمدن یک ارتش واحد در آینده با نیروهای کشورهای عضو صلح ابراهیم دور از انتظار نیست. به‌وجود آمدن این ارتش واحد چالش‌های زیادی از جمله تشدید تهدیدهای اسرائیل نسبت به ایران و کوچک کردن میدان ژئوپلیتیکی ایران را خواهد شد. [6]

۲. رشد نفوذ رژیم صهیونیستی در ضلع جنوبی خلیج فارس با صلح ابراهیم

رژیم صهیونیستی هم ردیف ایالات متحده آمریکا بهترین عملکرد را در مدیریت منابعی آبی دارد. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، اسرائیل بیش از ۵۰ درصد آب بخش کشاورزی خود را از تصفیه فاضلاب و بیش از ۸۵ درصد مصارف آب شهری خود را هم از آب شیرین کن‌ها به دست می‌آورد. اما

کشاورزی باشد. از سویی با اصلاح کشاورزی، با این که میزان آب موجود افزایشی نداشته است اما تولید محصولات کشاورزی ۷ برابر شده است. روش‌های مدرن آبیاری و بهره‌وری کشاورزی، متوسط آب مصرفی ۷۰۰۰ مترمکعبی کشاورزی در یک هکتار سال ۱۹۹۰ را به ۵۰۰۰ متر مکعب در هکتار در سال ۲۰۰۰ رسانده است. بخش دیگری از برنامه‌های این رژیم جنگل کاری برای بهداشت آب است. سهم جنگل در این رژیم از ۲ درصد سال ۱۹۴۸ به ۸ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است. این آمار ارقام نشان دهنده قدرت رژیم صهیونیستی در زمینه توسعه منابع آبی می‌باشد از آنجایی که کشورهای خاورمیانه در کمربند خشک جهان قرار دارند و روند توسعه آن‌ها بسیار بالا می‌باشد یکی از چالش‌های توسعه این کشورها تامین منابع آبی می‌باشد. پیش بینی می‌شود رژیم صهیونیستی با استفاده از این مزیت ارتباط خود را با کشورهای حاشیه خلیج فارس خیلی زود استفاده نماید و مشکل کم آبی و بخش کشاورزی این کشورها تا حدود زیادی برطرف گردد از آنجایی که یکی از مهم‌ترین بازارهای محصولات کشاورزی جمهوری اسلامی کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد منجر به چالش‌های زیادی در بخش صادرات محصولات کشاورزی خواهد شد. همچنین با استفاده از این فناوری گسترش سرمایه گذاری صنعتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس بیشتر شده و باعث از دست دادن بازارهای مصرفی و در نتیجه حتی پیش بینی می‌شود، شرکت‌های داخلی بزرگ ایران جهت تامین نیازهای خود و همچنین گسترش بازار فروش به این کشورهای مهاجرت اقتصادی کنند.

تجزیه و تحلیل

۱. اتحاد پیرامونی نوین با صلح ابراهیم:

«اتحاد پیرامونی» عمدتاً بر مبنای عمل‌گرایی جنگ سرد و سیاست‌های بین‌المللی شکل گرفت. در واقع، این به شرایط تنش به‌ویژه با همسایگان عرب هر سه کشور بستگی داشت. بر همین اساس، احتمال تغییرات سیاسی شدیدی که باعث انحلال اتحاد شود، همیشه زیاد بود. سایر اتحادهای تاریخی اسرائیل در منطقه، چیزهای زیادی را درباره ارزش واقعی توافق اخیر روشن می‌کند و این بسیار کم‌تر از آن‌چه نتانیاوو و ترامپ ادعا می‌کنند، به نظر می‌رسد. در روزهای آغازین تاسیس دولت اسرائیل، ایالات متحده و متحدانش از توافقی موسوم به «اتحاد پیرامونی» (Alliance of the Periphery) حمایت کردند؛ اتحادی سه جانبه بین قدرت‌های غیرعرب در خاورمیانه، شامل: اسرائیل، ترکیه و ایران. در حالی که اسرائیل قادر بود پیوندهای محکم خود را برای دهه‌ها حفظ کند، این اتحاد هرگز به میزانی که برخی امیدوار بودند، مستحکم نبود. ایران و ترکیه، هنوز مجبور بودند

مدیریت تقاضا بخش مهم سیاست‌های این رژیم در کنترل منابع آبی است. به‌عنوان مثال کشاورزانی که از فاضلاب تصفیه شده برای کشاورزی استفاده کنند مشوق دریافت می‌کنند اما در مقابل تعرفه‌های استفاده از آب تازه برای کشاورزی بسیار بالاتر از تعرفه‌های جهانی است. در نیم قرن گذشته و با اتخاذ سیاست‌های مناسب آبی در این دو منطقه به همراه بهره‌وری کشاورزی، تولید محصولات کشاورزی بر واحد آب مصرف شده در اسرائیل ۷ برابر و در کالیفرنیا ۴ برابر شده است. در بخش دیگری از این گزارش به «شاخص بهره‌وری آب» اشاره شده است. شاخص بهره‌وری آب، میزان تولید ناخالص داخلی به ازای هر متر مکعب آب برداشت شده را تعیین می‌کند. طبق آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۱۵ مقدار این شاخص در بین کشورهای توسعه یافته برابر با ۷۷٫۹ دلار تولید داخلی به ازای هر مترمکعب آب بوده در حالی که در کشورهای در حال توسعه این شاخص فقط ۴٫۹ دلار بود. این شاخص در ایران برابر با ۵٫۵ بوده است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است که اسرائیل با شعار «اساس تغییر، پذیرش عمومی است»، کمپینی را برای مدیریت مصرف آب تشکیل داد. هزینه تبلیغات این کمپین در سال ۲۰۰۸ برابر با ۷٫۵ میلیون دلار بود که منجر به کاهش ۷۶ میلیون متر مکعبی آب توسط مصرف‌کنندگان شد. در واقع برای صرفه جویی در یک متر مکعب آب، حدود ۰٫۱ دلار پول هزینه شد. اما با فروش این حجم آب با نرخ بیش از ۲ دلار بر متر مکعب، هزینه تبلیغات تامین و سود مالی قابل توجهی هم به دست آمد. از سویی سیاست ایجاد شبکه گسترده انتقال و توزیع آب ملی نیز در این منطقه به خوبی جواب پس داده است. به این معنی که آب فراهم شده توسط همه منابع مانند آب شیرین کن‌ها، آب تصفیه شده فاضلاب‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی توسط یک شبکه آب ملی به هم مرتبط شد و بسته به تقاضای محلی و شرایط هیدرولوژیکی توزیع شد. زیرساخت‌های این تاسیسات عظیم شامل ۳۰۰۰ تاسیسات و ۱۲۰۰۰ کیلومتر خطوط انتقال تحت کنترل ۱۰ مرکز فرماندهی است. ایجاد یک مکانیسم قیمت گذاری براساس بازپرداخت کامل هزینه‌ها و ایجاد انگیزه برای همکاری بخش خصوصی هم از دیگر عوامل موفقیت اسرائیل در مدیریت منابع آبی خود است. قیمت آبیاری کشاورزی در اسرائیل بسیار بیش‌تر از آن چیزی است که کشاورزان سایر مناطق دنیا می‌پردازند. قیمت آب تازه در این رژیم برابر با ۰٫۲۲ دلار تا ۰٫۷ دلار در هر متر مکعب است. قیمت آب شور هم بسته به میزان شوری از ۰٫۲۴ تا ۰٫۴۳ دلار در هر متر مکعب متغیر است. قیمت آب حاصل از تصفیه پساب فاضلاب ۰٫۲۲ تا ۰٫۳۴ دلار در متر مکعب است تا انگیزه‌ای برای کشاورزان برای استفاده کمتر از آب تازه در

ژئواستراتژیک ایفا می‌کنند. (هلال داخلی بیشتر کشورهای اروپای غربی و خاورمیانه از جمله ایران و آسیای جنوبی و شرقی را در برمی‌گیرد).

2 - هلال خارجی یا جزیره‌ای که شامل بریتانیا، ژاپن و استرالیا است. مکیندر خاورمیانه را در این نظریه جز منطقه ریملند و هلال داخلی می‌داند. همجواری با هارتلند از یک سو و دسترسی به آب‌های آزاد از سوی دیگر بهترین موقعیت ارتباطی و راهبردی را، هم برای تهدید هارتلند و هم برای دفاع از آن در اختیار خاورمیانه قرار داده است.

اسپایکمن چارچوب فضایی نظریه مکیندر را می‌پذیرد، اما به جای هارتلند، هلال داخلی را که وی آن را اصطلاحاً سرزمین حاشیه یا ریملند می‌نامد، مهم می‌داند. از نظر اسپایکمن، منطقه ریملند کارکرد اصلی دارد و منشأ اصلی تولید قدرت محسوب می‌شود. این منطقه در قالب یک فضای جغرافیایی دو وجهی که ترکیب آب و خشکی است، قرار می‌گیرد. اسپایکمن در نظریه خود خاورمیانه را در قلمرو ریملند جای می‌دهد؛ قلمرویی که بین منطقه محور یا قلب زمین و آب‌های پیرامون قرار گرفته است و اکثر رقابت‌ها و مخاصمات قدرت‌های دریایی و زمینی در آن به وقوع می‌پیوندد. در این نظریه از آن‌جا که ایران معاصر جزئی از ریملند به شمار می‌آید، موضوع رقابت دو قدرت بری و بحری است. ایران به‌عنوان بخش حساس ریملند، میدان رقابتی برای قدرت‌ها است و بی‌تردید هر کس این منطقه را کنترل کند، می‌تواند قدرت جهانی را کنترل کند و بر رقیبان پیروز شود. [۹]

اما منطقه ریملند چند ویژگی مهم دارد که در تحلیل فضای آن باید مدنظر قرار گیرد:

۱- اسلام؛ مسئله‌ای که باید به آن توجه کرد گرچه خوردن این منطقه با سرنوشت مسلمانان است. مسلمانان در منطقه ریملند به‌صورت متمرکز یا پراکنده حضور دارند و هر نوع حادثه یا مسئله‌ای، به کنش و واکنش در میان مسلمانان می‌انجامد. از پیش حضور مسلمانان و اسلام در این منطقه، تفکر اسلامی در ابعاد مختلف، به شکل‌گیری گروه‌های اسلامی با جهان‌بینی‌های متفاوت کمک کرده است. اسلام در ریملند درجات مختلفی را شامل می‌شود که طیفی از اسلام اصیل یا نزدیک به آن، تا اسلام رادیکال را در برمی‌گیرد. مواجهه گروه‌های مختلف اسلامی، فضای پرتنش و ناآرامی را به وجود آورده است، که امنیت را به مسئله اصلی آن و آرامش را به آرزویی دور و دراز مبدل ساخته است.

۲- نفت؛ مسئله نفت گویا با تاریخ این منطقه همراه است و در طول ادوار مختلف نقش اساسی در حوادث منطقه‌ای و

هریک به نوبه خود روابطشان با جهان عرب را مدنظر قرار دهند و بنابراین در دوستی با اسرائیل متزلزل شدند. ظهور جمهوری اسلامی در ایران و سپس حزب عدالت و توسعه رجب طیب اردوغان در ترکیه این روابط را -هرچند در درجات مختلف- وارد تنش کرد. ترکیه و اسرائیل روابط پرتنشی دارند اما برخلاف ایران، این رویکردی کاملاً خصمانه نیست.

صلح ابراهیم برای عادی سازی روابط اکنون بخشی از یک پکیج بزرگ‌تر در منطقه است. این نه در مورد صلح است، نه در مورد روابط بین کشورها است. این یک اتحاد نظامی است که به رهبری اسرائیل در منطقه ایجاد می‌شود. اتحاد نظامی که در وهله اول در مورد مقابله با ایران است که همچنان در راس برنامه شکست خورده سیاست خارجی ترامپ قرار دارد. با این حال هم برای اسرائیل و هم برای سلطان‌نشین‌های خلیج فارس، نگرانی‌های گسترده‌تری هم وجود دارد، هرچند ایران بزرگ‌ترین عامل تحریک کننده این اتحادهای تازه است. به‌عنوان مثال، روابط نزدیک ترکیه، روسیه و ایران به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار دارد. در لیبی، بازی پیچیده است و فرانسه، ایتالیا، مالت، قبرس و یونان در درگیری‌های مختلف ایفای نقش می‌کنند، که به‌طور فزاینده‌ای به جنگ نیابتی بین ترکیه و مصر تبدیل می‌شود.

قدرت‌های دیگر مانند روسیه و عربستان سعودی نقش اصلی را در پس زمینه بازی می‌کنند. عواقب احتمالی این شبکه درگیری در سوریه بسیار مشهود است و از آن‌جا که درگیری لیبی توانایی جذب بازیکنان بیشتری را دارد، اتحاد منطقه‌ای قوی میان کشورهای دارای منافع مشترک مانند اسرائیل و پادشاهی‌های خلیج فارس و سوسه انگیزتر می‌شود.

۲. بازساخت فضایی ریملند با صلح ابراهیم :

مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را جزیره جهانی می‌شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد. کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند است. وی هارتلند را منطقه وسیعی می‌دانست که از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد. از نظر او هارتلند را هیچ یک از قدرت‌های دریایی نمی‌توانستند تهدید کنند. مکیندر معتقد بود اطراف منطقه هارتلند را دو ناحیه فرا گرفته است:

1 - هلال داخلی یا حاشیه‌ای شامل سرزمین‌هایی که پشت به خشکی اوراسیا و در کنار آب قرار دارند و قابل دسترسی قدرت دریایی هستند و با موقعیت ساحلی که دارند، عمدتاً نقش

فرمانطقه‌ای آن داشته است.

از دیدگاه قدرت‌های بزرگ نفت عامل مهمی برای حیات آنان به شمار می‌رود، که به تبع آن بسیاری از جنگ‌هایی که قدرت‌های بزرگ به راه انداخته‌اند، موضوع نفت در اولویت آنان بوده است. همچنین از آن‌جا که اقتصاد اکثر کشورهای منطقه به نفت وابسته است، ایجاد اختلال از سوی قدرت‌های بزرگ یا گروه‌های ناراضی، موجب نوسانات مخرب در روند حیات این کشورها می‌شود. از این رو نباید فراموش کرد که نفت به‌عنوان طلای سیاه، مناسبات انسانی و ژئوپلیتیکی این منطقه را رقم می‌زند.

۳- اختلافات قومی و مذهبی؛ شکاف عمیق میان مذاهب بزرگ اسلامی، یعنی شیعه و سنی، موجب واگرایی در بین کشورهای اسلامی منطقه می‌شود و عامل مهمی در برهم زدن وحدت اسلامی به شمار می‌رود. همچنین اختلافات قومی و قبیله‌ای در این منطقه، انرژی زیادی از مردمان آن می‌گیرد و موجب واماندگی آن‌ها می‌شود [۹].

۴- اختلافات مرزی؛ اختلافات میان کشورهای همسایه در منطقه ریملند، از جمله اختلافات دیرینه میان کشورهای آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و ترکیه از یک سو و اختلافات مرزی ایران و عراق یا ترکیه و سوریه از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری فضای خصمانه در منطقه مورد نظر شده است. اختلافات مرزی با اختلافات قومی و مذهبی هم‌پوشانی خاصی دارند. در طول زمان مفاهیم دوست و دشمن جابه‌جا شده و منافع منطقه‌ای به منافع خاص تبدیل می‌شود. از این رو، کشورها در این فضای محدود، به دنبال دوست فرمانطقه‌ای و غیر هم جنس می‌گردند که این امر موجب افزایش بازیگران منطقه‌ای می‌شود. با این توصیف، ریملند از کدام جنبه برای قدرت‌های بزرگ اهمیت پیدا می‌کند؟ مسئله مهمی که در این مورد باید به آن اشاره کرد، نحوه مدیریت ریملند از سوی قدرت‌های بزرگ است. وابسته نگه داشتن ریملند شاه‌کلید حل این مسئله است؛ چرا که قدرت مانور غرب را به حداکثر می‌رساند. مهم‌ترین عامل چنین وابستگی‌ای، ایجاد فضای امنیتی (فقدان امنیت) در ریملند است. شکل‌گیری فضای امنیتی، محیط بهره‌برداری غرب را دوچندان می‌کند. چنین فضایی برای کشورهای متن، حالت فرسایشی و آزادسازی رادیکال انرژی به همراه دارد و برای کشورهای حاشیه، موقعیت دخل و تصرف و مسلط ایجاد می‌کند. از این رو، قدرت‌های بزرگ به‌عنوان ناجی مطرح شده و فضا را در جهت منفعت خویش مدیریت می‌کنند. امروز، غرب و به‌ویژه آمریکا برای عمق‌بخشی به بحران در ریملند تلاش می‌کنند. بحران یمن و تنش میان افغانستان و پاکستان و درگیری‌های عراق و سوریه، حاکی از

افزایش عمق فاجعه در ریملند است. چنین نگرشی برای غرب و به ویژه آمریکا، فضای بهره‌برداری بیشتری را خلق می‌کند، که به کمک بحران، فضای امنیتی ریملند مدیریت می‌شود. این امر، موجب شکل‌گیری چند سناریو می‌شود:

۱. گشودن جبهه‌های مختلف اطراف ایران؛ در حال

حاضر جمهوری اسلامی ایران، در چند جبهه در اطراف خود، درگیر بحران‌های امنیتی به وجود آمده است. درگیری‌های شکل گرفته در عراق و سوریه و از سوی بحران و فاجعه انسانی به وجود آمده در یمن و همچنین تنش میان افغانستان و پاکستان، دایره‌ای از فقدان امنیت را در اطراف ایران رقم زده است. گفتمان امنیتی به وجود آمده، جمهوری اسلامی ایران را به بخش مرکزی این گستره آشوب تبدیل کرده است. بنابراین تمام بحران‌های حاضر در اطراف ایران، به سوی مرکز بحران که نقطه امن منطقه به شمار می‌رود، در جریان هستند. گفتمان شکل گرفته، یک ویژگی عمده دارد که با افزایش امنیت نقطه مرکزی، بحران امنیتی اطراف آن شدت می‌یابد و این روی دیگر سکه سیاست است که به دنبال تحمیل هژمونی غرب بر جهان‌بینی توحیدی-اسلامی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. فرسایش کشورهای منطقه و به ویژه جمهوری

اسلامی ایران و جلوگیری از تبدیل شدن آن به قدرت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای؛ ستیز امنیت و فقدان امنیت، انرژی کشورها را به بیراهه می‌کشاند و توانمندی‌های آن‌ها را به ناتوانی مبدل می‌سازد. از این رو، نتیجه نهایی چنین ستیزی، فرسایش کشورهای منطقه است. در حال حاضر، سایه تاریک تکفیر و گروه‌های تکفیری، نه تنها پتانسیل و ظرفیت کشورهای منطقه را محدود کرده، بلکه ظرفیت و توان کشورها را بی‌هوده مورد استفاده قرار می‌دهد و در جهت نادرست هدایت می‌کند.

۳. گردش تریدهای مالی غرب؛ بزرگ‌ترین تریدهای

مالی جهان عبارتند از: الف- اسلحه‌سازی ب- مواد مخدر ج- فوئبال د- تجارت جنسی. گسترش دامنه بحران، زیر سایه تسلیحات نجومی امکان بروز و ظهور دارد. به نوعی ناامنی و تسلیحات کشتار مردم با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ به سر می‌برند. کارخانه‌های اسلحه‌سازی در بیشتر کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا، فعالیت گسترده‌ای دارند که از قیل آن‌ها، منافع مالی هنگفتی به دست می‌آورند. غرب برای تداوم منافع مالی خود، به گسترش تجارت اسلحه در سراسر جهان دست زده است، که این امر نیز در بستر جنگ و کشت و کشتار و موقعیت بحرانی به وقوع می‌پیوندد. از این رو، واردات تسلیحات جنگی در کشورهای ریملند از قدرت‌های بزرگ، آمار خیره‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، بحران و تداوم آن، به مرور زمان حالت

رخوت در مردمان آن مناطق به وجود می‌آورد که این مسئله نیز با گذشت زمان، افراد را دچار بی‌تفاوتی از وضعیت پیش آمده می‌کند. بنابراین فرد در منطقه بحرانی، از قبل بی‌معنایی شکل گرفته و نسبت به جهان اطراف، اتمیزه شده و حالت ذره‌ای پیدا می‌کند. فرد مورد نظر برای نجات از وضعیت کنونی خود، هر چیزی را دستاویز قرار می‌دهد تا فاجعه آوار شده بر سرش را تعدیل کند. از این رو، در جست‌وجوی لذت‌های کاذب، به مواد مخدر یا فساد جنسی روی می‌آورد. قاچاق مواد مخدر و مافیایی که در سطح جهانی فعالیت می‌کند و همچنین تجارت دختر و پسر به لحاظ جنسی و انتشار فیلم‌های پورنو سینمای هالیوود، بیش از پیش با هدف بی‌رمق کردن کشورهای ریملند و به ویژه کشورهای اسلامی و در رأس آن‌ها جمهوری اسلامی ایران جریان دارد. ناگفته نماند که بهره‌برداری‌های صنعتی و سیاسی که در زمینه ورزش فوتبال می‌شود و پول‌های میلیاردی که از قبل این ورزش در جهت سرگرم کردن بی‌هدف کشورهای ریملند و به ویژه کشورهای اسلامی هزینه می‌شود، ناشی از گره خوردن مسائل سیاسی با سرنوشت انسان‌ها در سراسر جهان است. در نتیجه، منطقه ریملند به دلیل حساسیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، در کانون توجه غرب و به ویژه آمریکا قرار گرفته است. استقرار تفکر اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و به چالش کشیده شدن قدرت غرب، موجب تحمیل فضای امنیتی از سوی قدرت‌های بزرگ می‌شود. بنابراین ریملند با ویژگی‌هایی از جمله اسلام، نفت، اختلافات قومی و مذهبی و اختلافات مرزی، با چند سناریو از سوی غرب مواجه است: گشودن جبهه‌های مختلف مقابل جهان اسلام و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، فرسایش کشورهای منطقه و به‌ویژه ایران و جلوگیری از تبدیل شدن آن به قدرت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و گردش تریدهای مالی غرب. هرگونه بی‌توجهی و نادیده انگاشتن استراتژی غرب در مقابله با جهان اسلام می‌تواند کشورهای اسلامی و منطقه را با چالش‌های دامنه دارتری مواجه کند.

نتیجه گیری:

رقابت چین و آمریکا در سده جدید یکی از مهم‌ترین پیشران‌های رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است. چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ که توانایی‌های بالقوه این کشور برای تبدیل شدن به ابرقدرت و اشغال جایگاه فلی آمریکا دارد مطرح است، امری که باعث نگرانی استراتژیست‌ها و مقامات آمریکایی شده است. در نتیجه ایالات متحده در دهه دوم قرن بیست و یکم تمرکز استراتژی

امنیت ملی خود را از خاورمیانه به شرق آسیا انتقال داد تا بتواند با این تهدید بالقوه مقابله کند. با توجه به تجارب تاریخی منطقه و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در شرایط کنونی واکنش کشورهای مزبور بیش از ترکیه متوجه ایران می‌باشد. از ابتدای تاسیس رژیم صهیونیستی، خطر انزوا تهدید جدی برای دولت‌مردان آن مطرح بوده است. با توجه به این تهدید، «دیوید بن گوریون» دکتربین اتحاد پیرامونی را در جهت خروج از انزوا، در برابر اتحاد دول عربی مطرح کرد. چارچوب اصلی این دکتربین گسترش روابط با دولت‌های مسلمان غیرعرب بود. ۳ رکن اصلی استراتژی پیرامونی اسرائیل، بر ارکان نظامی، اطلاعاتی و دیپلماسی استوار بود که در پیش‌برد آن از راهبردهای غافل‌گیری، انتقال جنگ به داخل سرزمین دشمن و ابتکار عمل بهره گرفته شد. با توجه به این استراتژی، اسرائیل در جهت بقاء و دوام خود نیاز جدی به همکاری نظامی با یک ابرقدرت منطقه‌ای داشت. بنابراین جهت اجرای این راهبرد با کشورهای پیرامون مرزهای اعراب مثل ترکیه، ایران و اتیوپی متحد شد و امروز پس از ۶ دهه، این دکتربین با تغییرات منابع تهدید، پیگیری می‌شود. [۲] البته با پیروزی انقلاب اسلامی، اسرائیل در جهت پیگیری استراتژی خود در جهت برقراری امنیت، اقدام به گسترش روابط با کشورهای غیر عربی خاورمیانه، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی هم‌چون ترکیه و جمهوری آذربایجان نماید. این اقدامات سبب شده تا امروزه، طرح پیرامونی محدوده‌های دفاعی را برای اسرائیل از شرق تا کره شمالی، از غرب تا تنگه جبل الطارق، از جنوب تا خلیج عدن و از شمال تا دریای سیاه را در بر می‌گیرد. صلح ابراهیم با آرزو تحقق بخشیدن به چشم انداز منطقه‌ای از خاورمیانه، پایدار، صلح آمیز و مرفه، به سود همه کشورها و مردم منطقه بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و آمریکا به امضا رسیده است با توجه به اسناد منتشر شده و سخنان ریاست جمهوری آمریکا پنج کشور دیگر از جمله عربستان سعودی به زودی به این توافق خواهند پیوست. اگرچه تحلیل‌گران معتقد هستند سودان و عمان در کوتاه مدت کاندیداهای بهتری برای پیوستن به این توافق نامه می‌باشند.

پیمان صلح ابراهیم یک پیمان ساده همکاری و عادی سازی روابط نیست بلکه این پیمان علاوه بر مزیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی یک برتری ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در طول زمان به رژیم صهیونیستی خواهد داد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران درصدد گسترش نفوذ خود در منطقه خلیج فارس می‌باشد اما با صف بندی جدید در خلیج فارس رو به رو شده است. جمهوری اسلامی باید در نظر داشته باشد رژیم صهیونیستی

درصد گسترش نفوذ خود در منطقه خلیج فارس به عنوان شبه ریملند می‌باشد با توجه به شواهد رژیم صهیونیستی با همکاری کردن با آمریکا در تلاش می‌باشد تا سهم خود را در ریملند بالاتر برده و در اولین اقدامات خود با فروش سامانه گنبد آهنین به ارتش آمریکا جهت استقرار در پایگاه‌های آمریکا در امارات نخستین گام خود را برداشته است.

تشکر و قدردانی: نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به واسطه فراهم آوردن شرایط به سرانجام رسیدن این پژوهش کامل تشکر و قدردانی را داشته باشند.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: "نویسنده اول ۵۰ درصد نویسنده دوم ۲۵ درصد و نویسنده سوم نیز ۲۵ درصد در تدوین مقاله مشارکت داشته اند.

منابع:

۶. تقی پور، محمد تقی (۱۳۸۴)، استراتژی اسرائیل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۷. جاودانی مقدم، مهدی، موسوی زاده، علیرضا، نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال چهارم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۷، صص ۱۸۷-۲۳۵.
۸. طباطبایی، سید محمد، سلیمانی، علی، جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی: گسترش فضای هنجاری و تهدیدات ارزشی متقابل، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱-۳۱.
۹. کیانی، وحید، ۱۳۹۵، نقش و جایگاه سه گانه در معادلات ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خلیج فارس، همایش فرهنگی خلیج فارس، ۱۱ و ۱۲-۳۶.
10. [1] Dalia Dassa Kaye, Alireza Nader, Parisa Roshan, Israel and Iran A Dangerous Rivalry, MG-1143-OSD, 2011.
11. Federico-O'Murchú, «Seán. «Read: Full US-Israel-UAE statement on normalizing relations». CNN.
12. <https://edition.cnn.com/2020/08/13/middleeast/mideast-trump-full-statement-uae-israel-intl/index.html>
سند صلح ابراهیم
13. <http://www.president.ir/>
سایت ریاست جمهوری
14. <https://www.globalfirepower.com/>
سایت گلوبال فایر پاور
15. <https://www.independentpersian.com/>
16. <https://tpo.ir/>
سایت سازمان توسعه تجارت ایران
17. <https://www.worldbank.org/>
سایت بانک جهانی
18. <http://www.tccim.ir/>
سایت اتاق بازرگانی تهران
19. <https://rc.majlis.ir/fa>
سایت مرکز پژوهش‌های مجلس

۱. خانی محمدحسن و مسرور محمد (۱۳۹۶). ظهور چین: چالش‌های ایالات متحده آمریکا در مواجهه با قدرت روزافزون چین در روابط بین‌الملل، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، تابستان ۱۳۹۶، دوره ۱، شماره ۲۴، صص ۱۵۹ تا ۱۸۳.
۲. شادمانی، مهدیه، یزدانی، عنایت‌الله. (۱۳۹۷). دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل. فصل‌نامه مطالعات سیاسی، ۱۰(۴۰)، صص ۱۴۷-۱۶۸.
۳. حسینی، سید حمید، کتاب شناسی و علوم کتاب‌داری، چاپ اول، نشر رازی، ۱۳۸۸، صص ۸۰-۸۵.
۴. جاودانی مقدم، مهدی، برجویی فرد، عباس، ۱۳۹۴، آینده اسرائیل؛ بقاء یا فروپاشی، در چارچوب نظریه آینده‌پژوهی پیتر شوارتز با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، سیاست اسلامی، دوره ۳، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۰۷-۱۳۲.
۵. الرکابی، محمد جواد، (۱۳۹۱)، سیاست خاورمیانه‌ای هند و اسرائیل؛ از تضاد تا همکاری، فصل‌نامه مطالعات جهان، دوره ۱، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱، صص ۷۳-۱۰۰.